

#### سبک رفتار



نقد و بررسی یک رفتار نکوهیده

## مشغول به عیب خود باش تا غیبت نکنی!

#### ■ شها سپهری

غیبت از نظر لغوی یعنی پشت سر دیگری حرف زدن. غیبت یعنی در غیاب کسی عیبی از او بگویی که وجدان بیدار، تو را از آن نهی کند و اگر او پیشنود، ناراحت شود. به همین جهت بدگویی پشت سر فردی که تظاهر به فسق و گناه می کند را جزو غیبت نشمر ده‌اند، چون اگر پیشنود که در غیاب او چنین گفته‌اند، ناراحت نمی‌شود. در ادامه به یکی از عناصری که مخرب روابط جمعی است و مورد مذمت و نهی شد بد معارف دینی است، یعنی غیبت پرداخته شده تا از منظر جامعه‌شناختی، آسیب‌هایی که این پدیده نامطلوب در جامعه ایجاد می کند، مورد تحلیل قرار گیرد.

#### ■ سه قسم غیبت داریم

در متون مختلف آمده است: غیبت سه قسم دارد که قسم اول ذکر کردن چیزی که نقص شرعی یا عرفی نسبت به حال شخص شده باشد و آن چیز هم بر شنونده پوشیده باشد. به طوری که راضی به فاش شدنش نباشد و غیبت‌کننده هم در مقابل کوچک کردن آن شخص و عیب‌گذاری بر اوست. قسم دوم نقل عیب پنهان است، لیکن نه به قصد مذمت کردن و عیب گذاردن و پست کردن او، بلکه به غرض دیگری مانند سرگرمی یا از روی دلسوزی. عیب پنهان دیگری را نقل کند که شکی در حرام بودنش نیست و قسم سوم گفتن عیب کسی نزد دیگری که آن را می‌داند. ظاهر بعضی از روایات آن است که از عنوان غیبت بیرون است.

**■ یک رفتار ناهنجار و آسیب‌زننده**
غیبت به عنوان یک رفتار ناهنجار محسوب می‌شود. عیب کار منفی‌ای است که از دیرباز در رفتار بشر وجود داشته و این رفتار ضد ارزشی، موجب بروز آسیب‌ها و مشکلات متعدد اجتماعی می‌شود. از آنجا که انسان یک موجودی اجتماعی است و برای تأمین احتیاجات خویش به زندگی اجتماعی نیازمند است، این نیاز به زندگی جمعی چه بر حسب فطرت و چه بر حسب ضرورت اعتمادی باشد، در هر صورت امری غیرقابل انکار است. لازمه تأمین این نیاز، وجود روابط سالم و پایدار است که در ایفای آن، دین مهم‌ترین نقش را بر عهده دارد. آموزه‌ها و دستورات دینی، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی در صدد راهنمایی و هدایت انسان است تا در پی آن، روابط سالم و پایدار به وجود آید. از این رو، آنچه به این رابطه سالم لطمه می‌زند و موجب

#### ■ زهر آلودی

انسان همواره میل به کمال دارد. هر چند رسیدن به این مطلوب از نظر هر کس متفاوت معنا می‌شود اما اگر بخواهیم در مسیر کمال حقیقی گام برداریم، هستند موانعی که سد راه شوند و از آن جمله غیبت است. غیبت در عین کوتاه و مختصر بودن نامش، دنیایی حرف برای گفتن دارد. بهتر است برای تبیین ماهیت این رذیله، سراغ کلام معصومین برویم. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: غیبت تلاش ناتوان است. بر این اساس شاید بتوان گفت در مورد همه تلاش‌هایی توان قاعده‌اطلاق مفید بودن را اثبات کرد. به عبارت دیگر، تلاش منفی هم داریم. چقدر انسان در کش و قوس تریب نفکستی کم آورده باشد که برای ارضای میل اطاعت از دشمن قسم‌خورده‌اش، این گونه خود را به زحمت بیندازد؟ آن هم همتی باطل!

#### ■ راه‌نما

اینکه در صحنه رقابت اجتماعی رقیب خود را از صحنه بیرون کنند، با ذکر عیوب آنها و رواج دادن غیبت، این امر را ممکن می‌سازند. با نگاه آسیب‌شناختی به مسائل کنونی کشور مشخص می‌شود که یکی از مشکلات کنونی رقابت‌های اجتماعی در کشور ما، از همین نقطه سرچشمه می‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: غیبت گناهی است که غیبت‌کننده به تنهایی نمی‌تواند آن را انجام دهد. پس شنونده غیبت در تحقق این گناه سهیم است. مگر آنکه با غیبت‌کننده مخالفت کند و او را از غیبت باز دارد و در جایی که نمی‌تواند با او مخالفت کند و او را از غیبت منع کند باید از شنیدن غیبت خودداری کند و در قلب خویش با غیبت‌کننده مخالف باشد.

این روایت نشان‌دهنده این است که هیچ کشتی از انسان بدون منظور و بی‌جواب نیست. یک فرد اجتماعی که از قضا با خدا و با اصالت و باسواد است می‌داند غیبت یک اخلاق پسندیده نیست و انسان نه به یک گناه، بلکه به چندین گناه زنجیرهای مانند تهمت و آشوب مرتکب می‌شود و غیبت، او را از داشتن اخلاق حسنه سلب می‌کند. انسانی که از نظر روانی سالم است، فاقد رفتارهایی است که برای او و هم‌وعاشش آسیب‌زا باشد. گناه غیبت نه تنها موجب فساد در ایمان و اخلاق شخص و رسوایی او در دنیا و آخرت می‌شود، بلکه مفاسد اجتماعی و بشری را هم به دنبال دارد.

#### ■ درمان علمی و عملی غیبت

برای درمان این بیماری از دوره علم و عمل باید استفاده کرد. درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می‌شود، مقایسه کند، از این مقایسه وی تشویق می‌شود که این عمل را ترک کند. چون او با این گناه از چشم مردم می‌افتد، رسوای دو عالم می‌شود، بغض و کینه و دشمنی ایجاد می‌کند. هرگاه این پیامدها را با چند لحظه پاره‌سرابی و بذله‌گویی مقایسه کند، می‌خواهد ببرد که با غیبت کردن چه خطای بزرگی مرتکب شده است. ای عزیز! با بندگان خدا که مورد دوستی خداوند هستند، محبت قلبی داشته باش! امیدا با محبوب حق، دشمنی‌ورزی که خداوند در این صورت تو را از رحمت خود دور می‌سازد. قدری در آثار دنیایی و

برای درمان غیبت از دوره علم و عمل باید استفاده کرد. درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می‌شود، مقایسه کند، از این مقایسه وی تشویق می‌شود که این عمل را ترک کند. در مان عملی آن است که به هر زحمتی هم که شده، عنان نفس زبان را به دست بگیري تا به مرور زمان به راحتی از غیبت کردن پرهیز کنی. سعی کنیم خوبی‌های مردم را ببینیم و به دنبال معایب آنها نباشیم

اخروی غیبت اندیشه کن و در صورت‌های وحشتناک این گناه در قبر و قیامت تأمل نما و به اخبار و احادیثی که در این زمینه وارد شده است دقت کن و میان چند دقیقه بذله‌گویی و نتایج این گناه مقایسه‌ای به عمل آور. در این صورت از این گناه پرهیز خواهی کرد. وانگهی اگر کسی غیبت دیگری می‌کند به این انگیزه که با او دشمن است، چگونه حاضر می‌شود نیکی‌هایش را به دشمنش منتقل کند و گناهان دشمن را به نامه عمل خود وارد کند؟ چنانکه در روایات به این پیامد غیبت اشاره شده است. درمان عملی آن است که به هر زحمتی هم که شده، عنان نفس زبان را به دست بگیري تا به مرور زمان به راحتی از غیبت کردن پرهیز کنی. سعی کنیم خوبی‌های مردم را ببینیم و به دنبال معایب آنها نباشیم. آورده‌اند که حضرت عیسی (ع) با عده‌ای از حواریون از جایی عبور می‌کردند که به مراد سنگی برخوردند. همراهان گفتند: چه مراد بدویی! حضرت عیسی (ع) فرمودند: چه دندان‌های سفیدی دارد. آنها نقص مراد را دیدند و حضرت عیسی کمال آن را گویترذ کرد. چقدر خوب است پیش از آنچه به عیب‌های دیگران توجه کنیم به دنبال کشف عیب‌های خود باشیم.

#### ■ دهان برخی مردم را نمی‌شود بست!

از قدیم‌الایام می‌گویند پشت آدم‌های موفق همیشه حرف هست و متأسفانه دهان برخی مردم را نمی‌شود بست یا به خاطر جلب رضایت‌شان زندگی را تغییر داد؛ چراکه آنان همیشه حرفی برای گفتن دارند. کلام آخر اینکه خوشا به حال کسی که مشغول بودن او با عیبش، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد. اگر کسی در غیاب تو غیبت کرد و به جای خدای تو از تو ترسید از خودت معذرت بخواه. چون جوری رفتار کردی که باعث شده با تو جوری رفتار کنند که لایق تو نباشی! از آنجا هر کس مطابق با فهم و فرهنگ خویش رفتار می‌کند، مطابق با فهم و شخصیت خودش هم دوست و هم‌صحبت برای خود می‌یابد و به معاشرت می‌پردازد. پس طبیعی است که یک عده مشابه به هم رفتار کنند و شباهت رفتاری آنها دلیل بر صحت کنش آنان نیست بلکه دلیل محکم‌تری مثل شباهت شخصیتی است که به یکدیگر دارند.

#### سبک‌فرهنگ



غلط‌های املایی می‌توانند

سرگذشت فرهنگی ما را توضیح دهند

## گذار یا گزر؟ مسئله این است!

#### ■ تلخیص: سلما سلطانی

درست نوشتن کلمات اغلب نمادی از باسوادی به شمار می‌رود و برعکس، کسانی که غلط‌های املایی زیادی دارند، بهانه خوبی به دست دیگران می‌دهند تا آنها را حواس پرت و بی‌سواد بنامند و مسخره کنند. در شبکه‌های اجتماعی هم معمولاً آدم‌هایی پیدا می‌شوند که می‌چرخند و از دیگران غلط املایی می‌گیرند تا ثابت کنند که وضع سواد خراب است و بچه‌ها در مدرسه هیچ چیز یاد نمی‌گیرند. با این حال، شاید غلط‌های املایی، نشانه‌های عمیق‌تری از فرهنگ ما را در دل خودشان پنهان کرده باشند.

اینطور که پیداست، یک چیز من همه را یاد شاعر نابینای قرن هفدهم می‌اندازد. نام خانوادگی‌ام -که «میتون» باشد- فرانسوی است اما خارج از این کشور همه بدون استثنا، آن را «میلتون» می‌نویسند، مثل فامیلی نویسنده شهیر انگلیسی، جان‌میلتون، خالق حماسه بهشت گمشده. تعجبی ندارد که آدم‌ها گاهی اسم‌های ناآشنا را غلط بنویسند، اما فامیلی من را از هر ۱۰۰ نفر، ۹۹ نفر با «میلتون» اشتباه می‌گیرند. سرو کله این نام روی همه چیز من پیدا می‌شود، از کارت باشگاه دانشگاه گرفته تا ایمیل‌هایی که همکارانم می‌زنند.

شاید در نظر اول بی‌معنی جلوه کند، ولی همین غلط‌های املایی نکته مهمی را در مورد نحوه شکل‌گیری و تثبیت سنتن فرهنگی روشن می‌سازند. موضوع «استمرار» یکی از عده مسائلی است که محققان حوزه فرهنگ به مطالعه آن می‌پردازند؛ چرا آدم‌ها کاری را طی مدت درازی، به شکل تکرار یا واحدی، انجام می‌دهند؟ مثلاً چطور دستور پخت غذاهای سنتی مثل تامل- که خمیر ذرت را در پوست ذرت می‌پزند- نسل‌به‌نسل حفظ شده است؟

فرض بیشتر نظریه‌پردازان تکامل فرهنگی این است که «انتقال دقیق» یا آنچه به «پایبندی» فرهنگی می‌شود، معروف است باعث استمرار سنت‌های فرهنگی می‌شود.

آنها می‌گویند، از آنجا که اعتقاد بر این است انسان‌ها استعداد فوق‌العاده‌ای دارند در اینکه اطلاعات را از طریق تقلید به دست بیاورند، پس معلوم می‌شود که الگوهایمان را بدون خطا تقلید می‌کنیم. این پژوهشگران تأکید می‌کنند، همانطور که دی‌ان‌ای انسان‌ها اطلاعات ژنتیکی را با میزان بسیار پایین جهش‌های تصادفی می‌رسند.

این طرز تلقی از دگرگونی‌های فرهنگی سبب شده معتقدان به تکامل فرهنگی مبنای اندیشه خود را بر زیررشته ژنتیک جمعیتی استوار سازند

و از الگوهایی استفاده کنند که می‌گوید استمرار فرهنگی تنها از طریق وراثت ممکن می‌شود. اما حقیقت این است که اطلاعات فرهنگی و اطلاعات ژنتیکی با یک میزان از «پایبندی» به نسل‌های بعد منتقل نمی‌شوند.

تکرار برخی غلط‌های املایی تنها یک نمونه است که نشان می‌دهد فرآیند دست‌یابی انسان به اشکال تثبیت‌شده فرهنگی پیچیده‌تر از اینهاست.

من، به اقتضای اینکه انسان‌شناس شناختی هستم و در حوزه نوظهور و میان‌رشته‌ای علم پیچیدگی کار می‌کنم، به موضوع چگونگی یک مرض تمام‌عیار است و حالا باید به تختش بیندی و ترکش بدهی. یا نه باید بنشینم و هیپنوتیزمیش کنی تا شاید علت رو آوردن به این کار را برایت باز کند. اگر گزینه اول بود که باید برایش یک نسخه شربت مراقبه و سرم مشارطه و قرص محاسبه بیچی و با یک پرستار رفیق‌راه همراهش کنی که مبادا صراط‌المستقیمش باز کج شود و اما اگر درد و رنگ زرد از گزیننه دوم باشد که باید کوله‌بار همت را ببیندی و بند پوئین محکم کنی و می‌آید باید چک کنی‌د و در نهایت تشخیص دهدی کجایش روغن کاری و تعمیر می‌خواهد و کجایش نیاز به تعویض دارد. اینکه اصلاً اینس غیبت کردن عادتش شده که اگر روزی یک یخ نغیب دود نکند به تمام معنا یک مرض تمام‌عیار است و حالا باید به تختش بیندی و ترکش بدهی. یا نه باید بنشینم و هیپنوتیزمیش کنی تا شاید علت رو آوردن به این کار را برایت باز کند. اگر گزینه اول بود که باید برایش یک نسخه شربت مراقبه و سرم مشارطه و قرص محاسبه بیچی و با یک پرستار رفیق‌راه همراهش کنی که مبادا صراط‌المستقیمش باز کج شود و اما اگر درد و رنگ زرد از گزیننه دوم باشد که باید کوله‌بار همت را ببیندی و بند پوئین محکم کنی و

بیشتر غلط‌های املایی تغییراتی

نظام‌مند و غیر تصادفی در کلمه‌ها

هستند. افراد به دلایل فراوان کلمه‌ها را تغییر می‌دهند، بسته به اینکه مثلاً از املاي غلط یا درست کلمه مطلع باشند یا خیر و اینکه پیش از این چقدر کلمات مشابه را دیده باشند



نقل از: وبسایت ترجمان / نوشته: هلینا میتون / ترجمه: عرفان قادری / مرجع: ناتیلوس